علل شکل‌گیری نفاق در جامعه دینی و پیامدهای آن در بیان حضرت زهرا سلام الله علیها ـ قاسم بستانی، نصره باجی
فصلنامه تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۳۰ـ۱۴۳

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

علل شکل‌گیری نفاق در جامعه دینی و پیامدهای آن در بیان حضرت زهرا سلام الله علیها

قاسم بستانی *
نصره باجی **

چکیده: از جمله موضوعاتی که پس از رحلت پیامبرﷺ رخ داد، مسئله نفاق و منافقان در جامعه اسلامی بود که باعث شد در جامعه اسلامی‌تازه تأسیس، تاخت و تاز کنند و در نهایت موجب پریشانی اوضاع جامعه و مسلمانان شدند. اما موضع فاطمه سلام الله علیها در این خصوص چه بوده است؟ آیا ایشان ساکت از کنار اختلافات گذشت یا آن که به مسلمانان عواقب تلخ این اوضاع را گوشزد کرد.

در این مقاله سعی می‌شود ابعاد فعالیت‌ها و اقدامات مختلف حضرت فاطمه سلام الله علیها در این زمینه ترسیم شود.

کلیدواژه‌ها: فاطمه سلام الله علیها/ جامعه اسلامی/ نفاق.

---

*. دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز.
**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث baji.nasra@yahoo.com

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

۱. مقدمه

بیماری اخلاقی نفاق، درد همیشگی انسان‌ها و ملت‌ها بوده است و منافق خاری خلیده در جان گروه‌ها و اجتماعات بشری می‌باشد. زشتی این بیماری و اثرهای زیانبارش در جوامع بشری و بیش از آن در روان و جان مبتلای به آن، منشأ نکوهش آن در قرآن و سیره معصومان علیهم‌السلام شده است. حضرت فاطمه سلام الله علیها از نزدیک شاهد حوادث صدر اسلام بود و خود نیز در برخی از آنها نقش اساسی و حساس داشت. از جمله این حوادث و جریانات، پدیده نفاق بود که بعد از رحلت پیامبر علناً آشکار شد، عده‌ای فرصت‌طلب بعد از رحلت پیامبر مدعی جانشینی آن حضرت شدند، ریاست جامعه اسلامی را به دست گرفتند و باعث بروز پیامدهایی ناگوار بر امت اسلامی و مسلمانان شدند. فاطمه سلام الله علیها که با بینش عمیق خود آینده جامعه اسلامی را به عیان در آینهٔ آن رویدادها می‌دید، در جمع مهاجران و انصار سخنانی ایراد کرد و نسبت به علل بروز چنین حادثه‌هایی و پیامدهای آن هشدار داد.

این مقاله می‌کوشد به بررسی بخشی از این موضع‌گیری‌ها و نظرها و اقدامات ایشان در خصوص موضوعات مطرح شده بپردازد.

۲. تعریف نفاق و منافق

۲-۱. نفاق و منافق در لغت

ماده «ن، ف، ق» در لغت عرب برای دو معنای اصلی و چندین معنای فرعی به کار رفته است. دو معنای اصلی آن، یکی «تمام و فنا شدن» و معنای دوم «پوشیده و پنهان داشتن» است (جوهری(اسماعیل)، ۱۵۶۰/۴؛ زبیدی۴۳۱/۲۶؛ ابن فارس ۴۵۴/۵؛ فیروزآبادی، ۱۳۱۸ق، ذیل نفق). این معنا ـ معنای دوم ـ از واژهٔ «نافقاء» گرفته شده؛ و آن یکی از لانه‌های موش دو پا است که آن را مخفی نگه می‌دارد و لانهٔ دیگر را آشکار می‌سازد، که در صورت وحشت و خطر، از یکی می‌گریزد و در دیگری پنهان می‌شود (ابن منظور ۴۵۰۹/۶). سپس

این معنا مورد استفاده قرار گرفته و تونل و راه زیرزمینی را «نفق» گفته‌اند. برخی نیز احتمال داده‌اند که این دو معنا، به یک دیگر بازگشته، یک ریشه دارند (ابن فارس ۴۵۵/۵). به گفته برخی از زبان‌شناسان؛ عرب ماده و هیئت‌های گوناگون «نفق» را برای انسان به کار نمی‌برد و تنها پس از کاربرد قرآنی آن، معنای این واژه در ادبیات عرب توسعه یافت (فیروزآبادی، ۱۱۹۵/۱. مادهٔ نفق). راغب نیز نفاق را وارد شدن در دین از سویی، و بیرون رفتن از آن از سوی دیگر می‌داند (راغب اصفهانی، ۸۱۹/۱ مادهٔ نفق).

۲-۲. نفاق و منافق در اصطلاح

نفاق به معنای تظاهر به اسلام و پنهان‌داشتن کفر است. با این تعبیر، منافق شخصی است دو روی و دو چهره؛ که به اسلام تظاهر می‌کند ولی کافری است که کفرش را مخفی داشته و ایمان ظاهری‌اش را با زبان علنی می‌سازد. خداوند می‌فرماید: «وَمِنَ النّاسِ مَنْ يقُولُ آمَنّا بِاللّهِ وَبِالْيوْمِ الْأَخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ» (بقره/۸) (و برخی از مردم می‌گویند ما به خدا و روز باز پسین ایمان آورده‌ایم ولی گروندگان [راستین] نیستند). در سورهٔ توبه نیز فرموده است: «وَيحْلِفُونَ بِاللّهِ إِنّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَـكِنّهُمْ قَوْمٌ يفْرَقُونَ» (توبه/۵۶) (و به خدا سوگند یاد می‌کنند که آنان قطعا از شمایند در حالی که از شما نیستند لیکن آنان گروهی هستند که می‌ترسند). نفاق در معنای اصطلاحی خود در مقابل «تقیه» قرار می‌گیرد، چرا که نفاق یعنی تظاهر به ایمان و مخفی داشتن کفر، در حالی که تقیه بر تظاهر به کفر و پنهان نمودن ایمان اطلاق می‌گردد (فیروزآبادی ۱۱۹۶/۱، مادهٔ نفق).

۳. نفاق و منافقین در قرآن

در قرآن کریم، در آیات متعددی، از نفاق و منافقین یاد شده است، از جمله در آیات ۱۴۱تا ۱۴۳ سورهٔ نساء که آنان را بدین‌ترتیب توصیف می‌کند: فرصت‌طلب که هر زمان خود را به یک گروه می‌بندد، خدعه‌گر و ریاکار، بی‌خبر و دور از یاد خدا، سرگردان و گمراه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

در این آیات، می‌بینیم خداوند منافقان را نه از دشمنان خارجی که در خط کفر هستند معرفی نموده، و نه از مؤمنان، اینان هدفی جز ریاست و جاه و مقام در سر ندارند و با دستیابی به مقصد خود، ناچار چهرهٔ واقعی دین و مکتب را هر چند به تدریج باشد، تابع خواستهٔ خود خواهند کرد، و از دین هر چه به ریاست آنان لطمه وارد نمی‌کرد گرفته و آنچه را که مانع راهشان است سرکوب می‌کنند.

۴. علل و انگیزه‌های نفاق از دیدگاه فاطمه سلام الله علیها

۴-۱. رحلت پیامبر

فاطمه سلام‌الله‌علیها به رحلت‌پیامبرﷺ اشاره می‌کند و به بیان حوادثی می‌پردازد که بعد از رحلت پیامبر اتفاق افتاد. ایشان سلام الله علیها می‌فرمایند:

«فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَكَةُ النِّفَاقِ سَمَلَ جِلْبَابُ الدِّينِ وَ نَطَقَ كَاظِمُ الْغَاوِينَ وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقَلِّينَ وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطِلِينَ – فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفاً بِكُمْ فَأَلْفَاكُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ وَ لِلْعِزَّةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ... ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفْرَتُهَا وَ يُسْلَسَ قِيَادُهَا ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَقْدَتَهَا وَ تُهَيِّجُونَ جَمْرَتَهَا وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهُتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ وَ إِهْمَالِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ تَشْرَبُونَ حَسْواً فِي ارْتِغَاءٍ وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِي الْخُمْرَةِ وَ الضَّرَّاءِ و نصبر منكم على مثل حز المدى و وخز السنان فی الحشا» (ابن‌طیفور، ص۲۵ و نیز: جوهری(احمد)، ص۱۴۳؛ مغربی ۳۵/۳؛ ابن‌طیفور، ص۲۵؛ طبری‌آملی، ص۱۵، ابن‌مردویه، ص۲۰۲؛ طبرسی۱۰۱/۱؛ ابن ابی الحدید۲۵۰/۱۶؛ ابن‌طاووس، ص۲۶۴؛ اربلی۴۸۷/۱؛ ابن دمشقی۱۵۹/۱؛ شامی، ص۴۷۱)

هنگامی‌که خداوند برای پیامبرش، خانه انبیاء و منزلگه اصفیا را برگزید، خار و خاشاک نفاق که در دل‌ها بود، آشکار شد لباس دین پوسیده شد و گمراهان ساکت زبان گشودند، فرومایگان گمنام با قدر و منزلت شدند و اهل باطل به صدا در آمدند و در خانه‌ها و قلمرو شما به تکاپو پرداختند. شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد و شما را به سوی خود فرا خواند و شما را به دعوت خود پذیرا یافت، و دید که برای اینکه فریب او را بخورید آماده‌اید... سپس درنگ نکردید مگر به مقدار آرام شدن

فتنه و جای گرفتن قلاده آن، که شروع نمودید در برافروختن شعله‌های فتنه و برانگیختن هیزمهای آن، و ندای شیطان مکار را اجابت کردید و شروع به خاموش کردن انوار دینی روشن و بی‌اعتنایی به سنتهای پیامبر برگزیده نمودید به ظاهر طرفداری از دین می‌نمایید در حالیکه در باطن به نفع خود عمل می‌کنید، و نسبت به اهل بیت و فرزندانش با حیله و نیرنگ رفتار می‌کنید. ما در مقابل اذیتهای شما صبر می‌کنیم مانند صبر کسی که با چاقوهای بزرگ و پهن اعضایش را قطعه قطعه کنند و تیزی نیزه را در بدنش فرو برند!

۴-۲. سستی و بی تفاوتی یاران پیامبرﷺ

فاطمه سلام الله علیها در قسمت دیگر بر سر بی‌تفاوتان و سست عنصران فریاد می‌زند که چرا در برابر حق بی‌تفاوتید؟ در این باره فرمود: «يَا مَعْشَرَ النَّقِيبَةِ وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ وَ حَضَنَةَ الْإِسْلَامِ مَا هَذِهِ الْغَمِيزَةُ فِي حَقِّي وَ السِّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي؟ أَ مَا كَانَ رَسُولُ‌اللَّهِﷺ أَبِي يَقُولُ الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ؟» (ابن طیفور، ص۲۹ و نیز:طبرسی ۱۰۲/۱؛ تبریزی انصاری، ص۶۵۶؛ بحرانی اصفهانی ۶۷۲/۱۱؛ نقدی، ص۲۹۷؛ قیومی، ص ۲۳۴)

ای گروه بزرگان و ای بازوان توانای ملّت، و ای نگهداران دین، این چه رفتار سست و سبکی است که ظالمانه در حقّ من روا داشته‌اید؟ مگر پدرم؛ رسول‌خداﷺ نفرموده بود: «مراعات هر شخصی در احترام به فرزندان اوست»؟

۴-۳. بی‌ایمانی و پیمان‌شکنی

بدیهی‌ست ایمان ظاهری ارزشی ندارد و تظاهر به اسلام و ایمان بدون ایمان قلبی درونی، دوروئی و نفاق است، یکی از علل انحراف مردم و کودتا گران سقیفه، بی‌ایمانی و پیمان‌شکنی یا عدم تداوم ایمان و استقامت بود. در این باره فاطمه سلام الله علیها فرمود: «فَأَنَّى حُزْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيمَانِ بُؤْساً لِقَوْمٍ نَكَثُوا أَيْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِم» (ابن طیفور، ص۳۰ و نیز: طبرسی ۱۰۲/۱؛ بحرانی اصفهانی ۶۷۲/۱۱؛ تبریزی انصاری، ص۶۵۶؛ نقدی، ص۲۹۷؛ قیومی، ص ۲۳۴) (پس چرا بعد از بیان ایمان و اقرار به آن،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

حیران و مضطرب شدید و پس از آن همه همکاری با اسلام و یاری و کمک خود را پنهان می‌دارید؟ و چرا بعد از آن پیشقدم بودن‌ها عقب نشستید؟ و چرا بعد از ایمان مشرک شدید؟ چه بد قوم و گروهی هستند کسانیکه بعد از عهد و پیمان سوگندهایشان را می‌شکنند).

۴-۴. ماجرای سقیفه بنی ساعده

در این باره داستان‌هایی در تاریخ آمده، که از ذکر جزئیات آن خودداری می‌شود، ولی اجمالاً آنچه که اتفاق افتاد و بیشتر مورخین نقل کرده‌اند، این است که: بعد از رحلت رسول اکرمﷺ در حالی که هنوز علی‌علیه‌السلام مشغول غسل دادن پیغمبربود، ابتدا جمعی از انصار از طایفه خزرج در سقیفهٔ بنی‌ساعده جمع شدند تا جانشینی پیغمبر را در قبیله خودشان متمرکز کنند. وقتی طایفه اوس متوجه شدند، آن‌ها هم آمدند. خبر به مهاجرین که رسید و چند نفر از آن‌ها هم به جمع انصار پیوستند، کار به جایی رسید که با یکدیگر کتک کاری کردند و به روی هم شمشیر کشیدند. سرانجام مهاجرین غالب شدند. اوس و خزرج نیز چون با هم رقابت داشتند و هیچ کدام زیر بار دیگری نمی‌رفتند، با آنها بیعت کردند (ابن هشام ۱۰۷۳/۴؛ ابن قتیبه ۱۳/۱؛ ابن حنبل ۵۵/۱؛ بخاری ۱۰۲/۳؛ یعقوبی ۱۲۳/۲؛ طبری ۴۴۳/۲؛ ابن عساکر ۵۵/۱۷؛ ابن اثیر ۱۸۹/۵؛ ابن کثیر ۲۶۶/۵؛ ابن خلدون ۲۹۴/۲).

می‌خواهیم بدانیم که چرا کار اصحاب پیغمبر به اینجا کشید که عهدشان را فراموش کردند؟

فاطمه سلام‌الله‌علیها خطبه فدک درباره علت این رویداد می‌فرماید: «ابْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ» برای این کار عجولانه چنین دلیل آوردید که «می‌ترسیم با رحلت پیامبر فتنه‌ای بین مسلمانان ایجاد شود» حضرت در اینجا هماهنگ با آیه سوره توبه می‌فرماید: «أَلا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكافِرِينَ» (توبه: ۴۹).

همچنین در کلامی دیگر خطاب به ام‌سلمه، با بیان گوشه‌ای دیگر از ماجراهای پشت پرده کودتای سقیفه، و عوامل و اسباب پنهان این توطئه را برملا می‌سازد. حضرت در

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

پاسخ به امسلمه که احوال دختر پیامبر خدا، را پرسید می‌فرماید: «أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرَبٍ، فُقِدَ النَّبِيُّ ﷺ وَ ظُلِمَ الْوَصِيُ وَ [هُتِكَ] وَ اللَّهِ حُجُبُهُ أَصْبَحَتْ إِمَامَتُهُ مُقْتَصَّةً عَلَى غَيْرِ مَا شَرَعَ اللَّهُ فِي التَّنْزِيلِ وَ سَنَّهَا النَّبِيُّ فِي التَّأْوِيلِ وَ لَكِنَّهَا أَحْقَادٌ بَدْرِيَّةٌ وَ تِرَاتٌ أُحُدِيَّةٌ كَانَتْ عَلَيْهَا قُلُوبُ النِّفَاقِ مُكْتَمِنَةً لِإِمْكَانِ الْوُشَاةِ، فَلَمَّا اسْتُهْدِفَ الْأَمْرُ أَرْسَلَتْ عَلَيْنَا شَآبِيبَ الْآثَارِ مِنْ مَخِيلَةِ الشِّقَاقِ، فَيَقْطَعُ وَتَرَ الْإِيمَانِ مِنْ قِسِيِّ صُدُورِهَا وَ لَيْسَ عَلَى مَا وَعَدَ اللَّهُ مِنْ حِفْظِ الرِّسَالَةِ وَ كَفَالَةِ الْمُؤْمِنِينَ أَحْرَزُوا عَائِدَتَهُمْ غُرُورَ الدُّنْيَا بَعْدَ انْتِصَارٍ مِمَّنْ فَتَكَ بِآبَائِهِمْ فِي مَوَاطِنِ الْكُرُوبِ وَ مَنَازِلِ الشَّهَادَاتِ» (ابن شهرآشوب ۲۰۵/۲؛ دیلمی، ص۳۱۹؛ مجلسی۱۵۶/۴۳؛ تبریزی انصاری، ص۸۴۹؛ رحمانی‌همدانی، ص۷۴۵؛ شاهرودی ۱۴۵/۶)

صبح کردم در حالی که میان غم و اندوه بودم، پیامبرﷺ از دست رفت و وصی او مظلوم واقع شد! به خدا قسم گویا چادر از سرش کشیده شده است؛ آنکه امامش به گونه‌ای مظلوم شود که نه طبق دستور خدا با او عمل شود و نه طبق وصیت پیامبر. آنچه (این قوم) با علی‌علیه‌السلام کردند، تنها با کینه‌های جنگ بدر و احد سازگاری داشت که در دل‌های منافقان تا به حال پنهان بود و هر لحظه احتمال این فتنه می‌رفت و اکنون که پیامبر خداﷺ از دنیا رفته، آن کینه‌ها علنی شده‌اند و چه مصیبت‌ها که از بدبختی خودشان بر سر ما می‌آورند! آنان رشته عهد و پیمان خود را (با پیامبر) گسیختند و چه بد موضعی در برابر وعده الهی بر حفظ رسالت و سرپرستی مومنان نشان دادند! و چه بد فریب دنیای فانی را خوردند. پس از پیروزی اسلام و مسلمین، دوباره از امیرالمؤمنین اعراض نمودند؛ چرا که علی دلیرانه پدران و اجداد مشرک و کافر آنها را در عرصه‌های مختلف جنگ و دلیری به هلاکت رسانده است).

۵. پیامد نفاق در کلام فاطمه سلام الله علیها

فاطمه سلام الله علیها با علم و دانش خدادادی و با نگرشی ژرف به امور و بصیرت الهی، آینده جامعه مسلمانان را در صورت وقوع فتنه به عیان مشاهده می‌کرد، او به حق در این باره می‌فرماید:

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

حضرت علیها السلام نتایج کنار زدن امام علی علیه السلام را این گونه بیان می‌کند:

«وَيْحَهُمْ أَنَّى زَعْزَعُوهَا عَنْ رَوَاسِي الرِّسَالَةِ وَ قَوَاعِدِ النُّبُوَّةِ وَ الدَّلَالَةِ وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الْأَمِينِ وَ الطَّبِينِ بِأُمُورِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ أَلا ذلِكَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبِينُ... وَيْحَهُمْ "أَ فَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لا يَهِدِّي إِلَّا أَنْ يُهْدى فَما لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ"(یونس/۳۵) أَمَا لَعَمْرِي لَقَدْ لَقِحَتْ فَنَظِرَةٌ رَيْثَمَا تُنْتَجُ ثُمَّ احْتَلَبُوا مِلْءَ الْقَعْبِ دَماً عَبِيطاً و ذعافا مبيدا هُنَالِكَ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَ يُعْرَفُ الْبَاطِلُونَ غِبَ مَا أُسِّسَ الْأَوَّلُونَ ثُمَّ طِيبُوا عَنْ دُنْيَاكُمْ أَنْفُساً وَ اطْمَأَنُّوا لِلْفِتْنَةِ جَاشاً وَ أَبْشِرُوا بِسَيْفٍ صَارِمٍ وَ سَطْوَةِ مُعْتَدٍ غَاشِمٍ وَ بِهَرْجٍ شَامِلٍ وَ اسْتِبْدَادٍ مِنَ الظَّالِمِينَ يَدَعُ فَيْئَكُمْ زَهِيداً وَ جَمْعَكُمْ حَصِيداً فَيَا حَسْرَتَى لَكُمْ وَ أَنَّى بِكُمْ وَ قَدْ عَمِيَتْ عَلَيْكُمْ أَ نُلْزِمُكُمُوها وَ أَنْتُمْ لَها كارِهُون» (ابن طیفور، ص۳۲و۳۳ و نیز: جوهری(احمد)، ص۱۱۸؛ صدوق، ص۳۵۵؛ طوسی، ص۳۷۶؛ طبری آملی، ص۱۲۹؛ طبرسی ۱۰۹/۱؛ ابن ابی الحدید ۲۳۴/۱۶؛ شامی، ص۴۸۳؛ اربلی ۴۹۳/۱)

آگاه باشید که به جانم سوگند این حکومتی که اینها درست کرده‌اند، تازه آبستن شده است، پس صبر کنید و در انتظار بمانید تا ببینید چه ثمره‌ای به بار می‌آورد، پس از آن به اندازه کاسه‌های بزرگ، (به جای شیر) خون تازه بدوشید و (به جای شیر) از آن سم مهلک بدوشید، آنگاه است که اهل باطل زیان می‌کنند، و آیندگان از نتیجه آنچه پیشینیان پایه گذارده‌اند آگاه می‌شوند (اکنون که به مراد خود رسیدید) خوش باشید برای دنیای خود، و قلبتان مطمئن باشد برای فتنه‌هایی که خواهد آمد، و قدرت متجاوزی که حداکثر ظلم و تعدی را روا می‌دارد، (و بشارت باد شما را) به هرج و مرجی که فراگیر است و همه جا را شامل، و بشارت باد شما را) به استبدادی از ظالمان که مقدار کمی از بیت‌المال را باقی می‌گذارد، به گونه‌ای که کسی در آن رغبت نمی‌کند، که جمع شما را درو کرده و نابود می‌نماید، پس حسرت و اندوه بر شما باد! و به کدامین سو هستید؟ راه حق و رحمت خدا بر شما گم شده است، آیا ما شما را وادار کنیم بر رحمت خدا (و صراط مستقیم)، حال آنکه خودتان کراهت دارید؟

۶. انتقاد شدید نسبت به روحیات مسلمانان

هنگامی که فاطمه سلام الله علیها بیمار شدند، همان بیماری که در آن وفات می‌کنند،

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

عده‌ای از زنان مهاجر و انصار به عیادت ایشان می‌آیند و در جواب آنها که پرسیده بودند: بیماری بر تو چگونه است؟ حضرت علیه‌السلام بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: أَصْبَحْتُ وَ اللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُنَّ قَالِيَةً لِرِجَالِكُنَّ لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ وَ سَئِمْتُهُمْ بَعْدَ أَنْ سَبَرْتُهُمْ فَقُبْحاً لِفُلُولِ الْحَدِّ وَ اللَّعِبِ بَعْدَ الْجِدِّ وَ قَرْعِ الصَّفَاةِ وَ صَدْعِ الْقَنَاةِ وَ خَتْلِ الْآرَاءِ وَ زَلَلِ الْأَهْوَاءِ وَ "بِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ فِي الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ. (مائده/۸۰) (ابن طیفور، ص۳۲ و نیز: جوهری (احمد)، ص۱۱۷؛ ابن عقده کوفی، ص۶۲؛ صدوق، ص۳۵۴؛ طوسی، ص۳۷۴؛ طبری آملی، ص۶۲؛ طبرسی ۱۰۸/۱؛ شعیری، ص۹۱؛ ابن ابی الحدید ۲۳۳/۱۶؛ اربلی ۴۹۲/۱؛ شامی، ص۴۸۱)

در شرایطی صبح کردم که از دنیای شما متنفرم و از مردانتان غضبناکم، پس از آن که آنان را امتحان کردم، به دور افکندم. چه زشت است کندی شمشیرها و سستی و بازی آنها پس از جدیّتشان و ترک خوردن نیزه و پیدا شدن افکار نیرنگ‌آمیز و لغزش و هواهای نفسانی «چه عمل زشت و ذخیره بدی برای خود اندوختند و گرفتار غضب الهی و عذاب بی‌پایان شدند» بدون شک، طناب و ریسمان این مسئولیت در گردنشان خواهد بود و سنگینی و مسئولیت آن را به دوش آنان انداختم و ننگ و عار را بر آنها ریختم. پس بینی آنها را بریده و زخم خورده و دور از رحمت خدا باشند.

۷. مؤیدات از نگرانی‌های فاطمه سلام الله علیها از منافقین در بیانات پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در لحظه‌های آخر عمر مبارکشان به اتفاق مورخان به شدت نگران و ناراحت بود، چون می‌دانست که به محض وفاتش، منافقان امت که منتظر فرصت بودند بیرون آمده، و آنچه که پیامبر پایه‌گذاری کرده، از میان خواهند برداشت. برای نمونه به برخی از روایاتی که در صحیح بخاری و دیگر کتب عامه آمده اکتفا می‌کنیم.

در برخی از این کتابها مانند صحیح بخاری و مسلم و سنن ابن ماجه و ترمذی بابی تحت «لاَ تَرْجِعُوا بَعْدِی كُفَّارًا، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ» آمده است، در این بابها روایاتی آمده که همهٔ آن‌ها در همین مضمون و با چند طریق می‌باشند، از جمله این روایات:

الف) ابن عمر نقل می‌کند که پیامبر فرمود: «لاَ تَرْجِعُوا بَعْدِی كُفَّارًا، يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

بَعْضٍ» (پس از من به کفر برنگردید که بعضی گردن بعضی دیگر را بزنند) (ابن‌ابی‌شیبه ۷/ ۴۵۵ ابن‌حنبل ۴۳۰/۹؛ بخاری ۲۰/ ۳۴۹؛ مسلم ۸۲/۱؛ ابن ماجه ۵/ ۹۲؛ ابی داود ۷/ ۷۲؛ ترمذی ۴/ ۴۸۶؛ ابی یعلی ۹/ ۴۴۲؛ نسائی ۳/ ۴۶۵؛ ابن حبان ۱/ ۴۱۶؛ ابن بطه ۲/ ۷۴۱).

ب) ابن عمر همچنین نقل می‌کند که پیامبر در حجه الوداع به جریر فرمود: «اسْتَنْصِتِ النَّاسَ» فَقَالَ «لاَ تَرْجِعُوا بَعْدِی كُفَّارًا يَضْرِبُ بَعْضُكُمْ رِقَابَ بَعْضٍ» (مردم را ساکت کن، سپس فرمود: پس از من به کفر برنگردید که بعضی گردن بعضی دیگر را بزنند» (ابن ابی‌شیبه۷/ ۴۵۵؛ طیالسی۵۲/۲؛ دارمی۲/ ۱۲۲۴؛ ابن حنبل ۳۱/ ۵۷۳؛ بخاری ۵۰/۹؛ مسلم۸۱/۱؛ نسائی ۳۸۰/۵؛ ابن حبان ۱۳/ ۲۶۸).

ج) صریح‌تر از اینها در نگرانی پیامبر، روایتی وارد شده، از سعیدبن‌جبیر از ابن عباس از پیامبر، که حضرتش بعد از وصف محشر فرمود: «ثُمَّ يُؤْخَذُ بِرِجَالٍ مِنْ أَصْحَابِی ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ الشِّمَالِ فَأَقُولُ أَصْحَابِی فَيُقَالُ إِنَّهُمْ لَمْ يَزَالُوا مُرْتَدِّينَ عَلَى أَعْقَابِهِمْ مُنْذُ فَارَقْتَهُمْ، فَأَقُولُ كَمَا قَالَ الْعَبْدُ الصَّالِحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ: "وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِی كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ شَهِيدٌ"» (مائده/۱۱۷)

سپس گروهی از اصحاب من در محشر به طرف راست و چپ از جایگاه من منحرف می‌شوند، آنگاه می‌گویم اینها اصحاب من هستند کجا می‌روند؟ جواب می‌رسد که، بعد از اینکه آنها را ترک کردی، به اعقابشان برگشت نمودند، پس همان سخنی را می‌گویم که بنده صالح عیسی بن مریم گفت: «من به آنان جز آنچه تو فرمانم داده بودی نگفتم. گفتم که اللّه پروردگار مرا و پروردگار خود را بپرستید. و من تا در میانشان بودم نگهبان عقیدتشان بودم و چون مرا میرانیدی تو خود نگهبان عقیدتشان گشتی. و تو بر هر چیزی آگاهی (ابن‌ابی‌شیبه ۸۶/۷؛ ابن حنبل ۱۳۶/۱۴؛ بخاری۵۵۴/۸؛ مسلم ۲۱۹۴/۴؛ نسایی۱۸۷/۱۰؛ ابی یعلی ۸۳/۳؛ ابن حبان ۳۴۳/۱۶؛ طبرانی، معجم کبیر ۹/۱۲).

طبق این روایات، هم نگرانی شدید پیامبر ثابت می‌شود و هم هشدار ایشان که نه فقط رجال اصحاب مرتد می‌شوند، بلکه به حکم خطبهٔ حجه الوادع، نگران اکثر مسلمانان بود که در خطر ارتداد قرار می‌گیرند.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

د) همچنین فرمودند: «لَيَغشَيَنَّ أُمَّتِي مِن بَعدي فِتَنٌ كَقِطَعِ الليلِ المُظلِمِ، يُصبِحُ الرجُلُ فيها مؤمِنا و يُمسِي كافِرا، و يُمسِي مؤمِنا و يُصبِحُ كافِرا، يَبيعُ أقوامٌ دِينَهُم بعَرَضٍ مِن الدنيا قَليلٍ»
(طبرانی، مسند الشامیین ۱۴۳/۳؛ حاکم نیشابوری ۴۳۸/۴؛ مقریزی ۳۳۴/۱۲؛ سیوطی ۴۹۶/۲؛ متقی هندی ۱۲۷/۱۱)

پس از من فتنه‌هایی همچون پاره‌های شب تار امّتم را فرا پوشاند، چندان که آدمی بر اثر آنها شب مؤمن باشد و روز کافر، روز مؤمن باشد و شب کافر. مردمانی دین خود را به‌اندک متاعی از دنیا می‌فروشند.

۸ نتیجه‌گیری

یکی از مهمترین رویدادهای صدر اسلام که در سرنوشت اسلام، تأثیر بسیار و غیر قابل انکاری داشته، مسئله نفاق در امت اسلامی و پیدایش منافقان پس از پیامبر بود که باعث پریشان شدن اوضاع مسلمین شد، و جایگاه خلافت از مسیری که پیامبر تعیین کرده بود تغییر داد. فاطمه سلام‌الله‌علیها پس از رحلت پیامبرﷺ، چندان عمری در همراهی با علی‌علیه‌السلام نداشتند و از فراق پدر و اندوه مصائب وارده به اسلام، دار فانی را زود وداع گفتند، اما بنا بر شواهد و مدارک موجود، در همین مدت کوتاه در گفتار و در عمل، از هیچ فرصتی برای توجه دادن به عواقب تلخ این اوضاع فرو گذاری نکرده و بدین‌گونه، برای آیندگان مدرکی غیرقابل انکار در محکومیت برخوردها و عملکردهای منافقانه بر جای نهاد.

منابع

۱. ابن‌ابی‌الحدید، **شرح نهج‌البلاغه**، چاپ دوم، بی‌جا، دارإحیاءالکتب‌العربیه عیسی البابی‌الحلبی و شرکاه، ۱۳۸۷ق.

۲. ابن ابی شیبه، عبد الله بن محمد، **المصنف فی الأحادیث والآثار**، تحقیق کمال یوسف الحوت، چاپ اول، مکتبة الرشد –الریاض، ۱۴۰۹ق.

۳. ابن اثیر، علی ابن ابی الکرم، **اسد الغابه فی معرفه الصحابه**، دار الکتاب العربی، بیروت.

۴. ابن بطه، عبیدالله بن محمد، **الإبانة الکبری لابن بطة**، تحقیق رضا معطی، عثمان الأثیوبی، یوسف الوابل، والولید بن سیف النصر، وحمد التویجری، دار الرایة للنشر والتوزیع، الریاض.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

۵. ابن حبان، محمد بن حبان، **صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان**، محقق شعیب الأرنؤوط، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۴ق، بیروت.
۶. ابن‌حنبل، أحمدبن‌حنبل، **مسندالإمام أحمدبن‌حنبل**، محقق شعیب‌الأرنؤوط وآخرون، چاپ دوم، مؤسسة الرسالة.
۷. ابن خلدون، عبد الرحمن ابن محمد، **تاریخ ابن خلدون**، موسسه الاعلمی‌للمطبوعات، بیروت، ۱۳۹۱ق.
۸. ابن دمشقی، شمس الدین ابی البرکات، **جواهر المطالب فی مناقب الامام علی**ؑ، قم، مجمع إحیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۴۱۵ق.
۹. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، **مناقب آل أبی‌طالب** ؑ، علامه، ۱۳۷۹ق، قم.
۱۰. ابن طاووس حلی، علی بن موسی، **الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف**، بی جا، بی نا، ۱۳۹۹ق.
۱۱. ابن طیفور، احمد بن أبی طاهر، **بلاغات النساء**، الشریف الرضی، بی تا، قم.
۱۲. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، **الاستذکار**، تحقیق سالم محمد عطا، محمد علی معوض، چاپ اول، دار الکتب العلمیه، ۲۰۰۰م، بیروت.
۱۳. _____، **التمهید**، تحقیق مصطفی بن احمد العلوی، محمد عبدالکبیر البکری، وزارة عموم الاوقاف و الشوون الاسلامیه، ۱۳۸۷ق.
۱۴. ابن عساکر، علی بن حسن، **تاریخ مدینه دمشق**، تحقیق علی شیری، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۵ق، بیروت.
۱۵. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، **فضائل أمیرالمؤمنین**ؑ، مصحح حرز الدین، عبد الرزاق محمد حسین، دلیل ما، ۱۴۲۴ق، قم.
۱۶. ابن فارس، احمد، **معجم مقاییس اللغة**، تحقیق عبد السلام محمدهارون، دار الفکر، ۱۳۹۹ق.
۱۷. ابن قتیبه، عبدالله‌بن‌مسلم، **الامامه و السیاسه**، تحقیق طه محمدالزینی، موسسه الحلبی و شرکاه‌للنشر و التوزیع.
۱۸. ابن کثیر، اسماعیل ابن کثیر، **البدایه و النهایه**، تحقیق علی شیری، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق، بیروت.
۱۹. ابن ماجه، محمد بن یزید، **سنن ابن ماجه**، محقق شعیب الأرنؤوط، عادل مرشد، محمّد کامل قره بللی، عَبد اللّطیف حرز الله، دار الرسالة العالمیة، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
۲۰. ابن مردویه اصفهانی، احمدبن‌موسی، **مناقب علی ابن ابی‌طالب و ما نزل من القرآن فی علی لملک الحفاظ**، چ۲، بی‌جا، دار الحدیث، ۱۴۱۲ق.
۲۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، تحقیق عبد الله علی الکبیر، محمد أحمد حسب الله، هاشم محمد الشاذلی، دار المعارف، قاهره.
۲۲. ابن هشام، ابوعبدالله، **السیره النبویه**، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، مکتبه محمد علی صبیح و اولاده، ۱۳۸۳ق، قاهره.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

۲۳. ابو داود، سلیمان بن الأشعث، **سنن أبی داود**، تحقیق شعَیب الأرنؤوط – محَمَّد کامِل قره بللی، چاپ اول، دار الرسالة العالمیة، ۱۴۳۰ق.
۲۴. ابو یعلی، أحمد بن علی، **مسند أبی یعلی**، محقق حسین سلیم أسد، دار المأمون للتراث، دمشق، چاپ اولف ۱۴۰۴ق.
۲۵. اربلی، علی‌بن‌عیسی، **کشف الغمة في معرفة الأئمة**، مصحح رسولی محلاتی، سیدهاشم، بنی‌هاشمی، ۱۳۸۱ق، تبریز.
۲۶. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله، **عوالم العلوم و المعارف والأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال مستدرک سیدة النساء إلی الإمام الجواد**، تصحیح موحد ابطحی اصفهانی، محمد باقر، مؤسسة الإمام المهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف، قم.
۲۷. بخاری، محمد بن إسماعیل، **الجامع المسند الصحیح المختصر من أمور رسول الله ﷺ وسننه وأیامه**، المحقق محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، دار طوق النجاة، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۲۸. بروجردی، عبدالکریم، **قسمت‌هایی از اسلام شناسی تاریخی**، بی‌تا، بی‌نا.
۲۹. تبریزی انصاری، محمد بن علی، **اللمعه البیضاء فی‌شرح‌خطبه‌الزهراء**، قم، دفتر نشرالهادی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۳۰. ترمذی، محمد بن عیسی، **سنن الترمذی**، محقق بشار عواد معروف، دار الغرب الإسلامی –بیروت، ۱۹۹۸م.
۳۱. جوهری بصری، احمد بن عبد العزیز، **السقیفة و فدك**، مصحح امینی، محمدهادی، مکتبة نینوی الحدیثة، بی‌تا، تهران.
۳۲. جوهری،إسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة وصحاح العربیة**، تحقیق أحمد عبد الغفور عطار، دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق، بیروت.
۳۳. حاکم نیشابوری، **المستدرک علی الصحیحین**، تحقیق یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بی نا، بی تا، بی جا.
۳۴. دارمی، عبد الله بن عبد الرحمن، **سنن الدارمی**، محقق حسین سلیم أسد الدارانی، چاپ اول، دار المغنی للنشر والتوزیع، المملکة العربیة السعودیة، ۱۴۱۲ق.
۳۵. دیلمی، حسن بن محمد، **غرر الأخبار**، مصحح ضیغم، اسماعیل، دلیل ما، ایران؛ قم، ۱۴۲۷ ق.
۳۶. راغب الأصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، تحقیق صفوان عدنان الداودی، چاپ اول، دار القلم، الدار الشامیة ۱۴۱۲ق، دمشق، بیروت.
۳۷. رحمانی همدانی، احمد، **الامام علی بن ابی طالب**، تهران، امنیر للطباعه و النشر، ۱۴۱۷ق.
۳۸. زبیدی، محمّد بن محمّد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، تحقیق مجموعة من المحققین، دار الهدایة.
۳۹. سیوطی، جلال الدین، **الجامع الصغیر**، چاپ اول، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۰ق، بیروت،
۴۰. شامی، یوسف بن حاتم، **الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهامیم**، جامعه مدرسین، ۱۴۲۰ق، قم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]

۴۱. شاوی، علی، **با کاروان حسینی**، بی نا، بی جا، بی تا.
۴۲. شاهرودی، علی، **مستدرک سفینه البحار**، قم، موسسه النشر الاسلامی‌التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۱۹ق.
۴۳. شعیری، محمد بن محمد، **جامع الأخبار**، مطبعة حیدریة، بی‌تا، نجف.
۴۴. صدوق، محمد بن علی، **معانی الأخبار**، مصحح غفاری، علی‌اکبر، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۳ق، قم.
۴۵. طباطبایی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیرالقرآن**، دفتر انتشارات اسلامی‌جامعه مدرسین حوزه‌علمیه قم، ۱۴۱۷ق، قم.
۴۶. طبرانی، سلیمان‌بن‌أحمد، **المعجم‌الکبیر**،محقق‌حمدی‌بن‌عبدالمجیدالسلفی،مکتبةالعلوم‌والحکم،۱۴۰۴ق، موصل.
۴۷. _____، **مسند الشامیین**، تحقیق حمدی عبد المجید السلفی، چاپ دوم، موسسه الرساله، ۱۴۱۷ق، بیروت.
۴۸. طبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، مصحح خرسان، محمد باقر، نشر مرتضی، مشهد.
۴۹. طبری، محمد بن جریر، **تاریخ طبری**، تحقیق نخبه من العلماء الاجلاء، موسسه الاعلمی‌للمطبوعات، بیروت.
۵۰. طبری‌آملی، محمد بن جریر، **دلائل الإمامة**، مصحح قسم الدراسات‌الإسلامیة مؤسسة البعثة، بعثت، ۱۴۱۳ق، قم.
۵۱. طوسی، محمد بن الحسن، **الامالی**، مصحح مؤسسة البعثة، دار الثقافة، ۱۴۱۴ق، قم.
۵۲. طیالسی، سلیمان بن داود، **مسند أبی داود الطیالسی**، محقق دکتر محمد بن عبد المحسن الترکی، چاپ اول، هجر للطباعة والنشر.
۵۳. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **القاموس المحیط**.
۵۴. قیومی، جواد، **صحیفه‌الزهراء**، چاپ اول، موسسه النشرالاسلامی‌التابعه لجماعه‌المدرسین‌بقم‌المشرفه، ۱۳۷۳ش.
۵۵. مالک، مالک بن انس، **الموطأ**، تحقیق محمد فواد عبدالباقی، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ق، بیروت.
۵۶. متقی‌هندی، علی‌المتقی، **کنزالعمال فی السنن و الاقوال و الافعال**، تحقیق شیخ بکری‌حیاتی، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ق، بیروت.
۵۷. مجلسی، محمد باقر، **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار**، بیروت، دار الرضا، ۱۴۰۳ق.
۵۸. مسلم، مسلم بن الحجاج، **الصحیح المختصر**، محقق محمد فؤاد عبد الباقی، دار إحیاء التراث العربی، بیروت.
۵۹. مقریزی، احمد بن علی، **امتاع الاسماع**، تحقیق محمد عبد الحید النمیسی، چاپ اول، منشورات محمد علی بیضون دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق، بیروت.
۶۰. نسائی، احمد بن شعیب، **السنن الکبری**، تحقیق حسن عبد المنعم شلبی، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق، بیروت.
۶۱. نقدی، جعفر، **الانوار العلویه**، چاپ دوم، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۱ق، نجف.
۶۲. واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، بی تا، بی نا، بی جا.
۶۳. یعقوبی، احمد ابن ابی یعقوب، **تاریخ الیعقوبی**، دار صادر، بیروت.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.11.0]